



زندگی به فرمان دیگران: دخالت های بیجا چطور زوج های جوان را دچار مشکل می کند؟

یکی از عوامل مهم در بروز مشکلات در زندگی زوج های جوان دخالت کردن والدین در مسائل و مشکلات خانوادگی آنهاست. این در حالی است که دخالت ها نه تنها در حل مشکلات تاثیر گذار نیست، بلکه آتش اختلافات را شعله ورتر می کند و حتی در برخی مواقع یک مساله به حدی پیچیده و وخیم می شود که طلاق و جدایی را به دنبال دارد.

یکی از عوامل مهم در بروز مشکلات در زندگی زوج های جوان دخالت کردن والدین در مسائل و مشکلات خانوادگی آنهاست. این در حالی است که دخالت ها نه تنها در حل مشکلات تاثیر گذار نیست، بلکه آتش اختلافات را شعله ورتر می کند و حتی در برخی مواقع یک مساله به حدی پیچیده و وخیم می شود که طلاق و جدایی را به دنبال دارد.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه آرمان، در اصل دخالت والدین همیشه با نیت خیرخواهی و با هدف سعادت و خوشبختی فرزند خود انجام می شود. خانواده ها با شنیدن برخی حرف ها و دیدن ناراحتی فرزندشان تحریک شده و در نتیجه به شکل یک جانبه و به دور از عدالت و فقط از سر احساسات و تعصب تصمیم می گیرند که نتیجه آن اضافه شدن مشکلات و بروز اختلافات جدید در خانواده هاست.

به طور معمول در اوایل ازدواج، خانواده ها هنوز اطمینان لازم را نسبت به همسران جوان پیدا نکرده اند، در نتیجه ممکن است در زندگی این افراد دخالت کنند که البته در طول زمان و با پیدا کردن اطمینان از توانایی زوج های جوان تا حد زیادی از میزان دخالت ها کاسته می شود. این در حالی است که در برخی از ازدواج ها همسران حساسیت بیشتری دارند، چرا که خودشان هم می دانند هنوز به اندازه کافی مستقل نشده و در نتیجه به صورت ناخودآگاه هر لحظه منتظرند اطرافیان برایشان تصمیم گرفته و به نوعی در زندگی آنها دخالت کنند.

البته این موضوع در افرادی که در سنین پایین ازدواج کرده اند، بیشتر مشاهده می شود. البته همه این حرف ها به معنای این نیست که والدین باید نسبت به زندگی فرزندشان منفعل باشند، بلکه والدین باید بین کمک به رفع اختلاف و راهنمایی اصولی و منطقی هر یک از زوج ها با دخالت متعصبانه، احساسی و یکجانبه تمایز قائل شوند.

دخالت والدین به دلیل ناتوانی فرزندشان

برخی همسران بیشتر در معرض دخالت های اطرافیان هستند، چون خصوصیات شخصیتی و رفتاری آنها باعث می شود دیگران و به ویژه والدیشان نتوانند به آنها اعتماد کنند و در نتیجه تصور می کنند بهتر از آنها صلاحشان را تشخیص می دهند. دخالت والدین به زندگی زوج های جوان به دلایل متعدد بستگی دارد که از جمله این نقاط ضعف می توان به سن کم، ناآشنایی با مهارت های زندگی، اعتماد به نفس پایین، وابستگی اقتصادی و... اشاره کرد.

در اصل افرادی که اجازه دخالت به والدین یا دیگر افراد را در زندگی خود می دهند یعنی آن طور که باید و شاید در کسب مهارت های زندگی و اجتماعی تاکنون موفق نبوده و توانایی تشخیص خیر و صلاح خود را ندارند. در ضمن از دیگر دلایل در بروز دخالت در زندگی زوج های جوان می توان به عدم استقلال مالی اشاره کرد. این در حالی است که دریافت کمک های فکری و مالی به هیچ عنوان نامطلوب نیست، اما این کمک باید به شکل محدود باشد نه اینکه فرد در همه مسائل زندگی به خانواده خود وابستگی داشته باشد. در ضمن دلیل دخالت عمده والدین به زندگی فرزندانشان، حمایت مالی خانواده است که از زمان طفولیت تا هنگام ازدواج یا حتی بعد از ازدواج ادامه دارد. به طور قطع می توان حمایت مالی والدین را آغازگر دخالت در زندگی بعد از ازدواج فرزندان دانست.

اگر در ابتدا روابط بین زوج ها و خانواده ها محترمانه باشد آن وقت دختر و پسر تلاش والدین برای حل مساله را به عنوان نصیحت و ارائه راهکار می پذیرند، اما اگر این ارتباط محترمانه نباشد، مسلماً آن را دخالت می پندارند. یکی از نیازهایی که زوج ها دارند این است که در سال های اولیه تشکیل زندگی می خواهند با خانواده همسرشان صمیمی شوند و بیش از اندازه به معاشرت کردن روی می آورند یا در هر کاری از آنها مشورت می گیرند. در این شرایط خود زوج ها اجازه دخالت دیگران به زندگی شان را می دهند. از دیگر عوامل بروز اختلاف، ایجاد صمیمیت های زیاد در ابتدای زندگی است. این در حالی است که در هر رابطه ای باید تعادل حفظ شود تا به این ترتیب بتوان از شدت درگیری و تنش های احتمالی کاست.

امان از دخالت...

می بینا به تازگی عقد کرده است. او از شر دخالت های برادر و زن برادر همسرش در امان نیست. این دختر جوان به «آرمان» می

گوید: همسر من با برادرش همکار است و او به خود اجازه دخالت در مسائل جزئی زندگی ما را می دهد. در برخی مواقع دخالت های برادرش بر تصمیم گیری های همسر من تاثیرگذار است. باید گفت که ۸۰ درصد بحث و جدل های ما تاکنون به دلیل ایده ها و اظهار نظرهای خانواده اش بوده است.

برای مثال حتی آنها به خودشان اجازه می دهند که درباره نحوه خرید من هم اظهار نظر کنند. البته من به قدری رسمی رفتار می کنم که آنها به خودشان اجازه اظهار نظر رو در رو را نمی دهند، اما پسرشان را کاملاً شست و شوی مغزی می دهند. مبینا در بین صحبت هایش می افزاید: برخی مواقع فکر می کنم در انتخابم اشتباه کرده ام و دیگر نمی دانم چه کار کنم. در اصل زندگی مشترک به اندازه کافی مشکلات خاص خود را دارد و اینکه هر شخصی به خود اجازه دخالت بدهد به هیچ عنوان قابل قبول نیست.

در واقع برخی از افراد بیکار و تنگ نظر با دخالت به زندگی دیگران فقط ارزش و احترام خود را نزد فرد مقابل تنزل می دهند و این گونه رفتارها باعث می شود تا افراد روز به روز از یکدیگر دور و دورتر شوند. به گفته این دختر جوان شاید در رسانه ها به مقوله صله رحم تاکید شود، اما باید گفت که ارتباط با افراد مخرب به هیچ عنوان به صلاح خانواده ها نیست. من در خانواده ای منطقی و اجتماعی بزرگ شده ام و حفظ حریم خصوصی افراد برایم از جایگاه ویژه ای برخوردار است. از وقتی با خانواده همسر آشنا شده ام هیچ تمایلی به حفظ ارتباط و برقراری صله رحم با آنها ندارم. شاید در جامعه ما مقوله ای تحت عنوان دید و بازدید کمرنگ شده است، اما باید دانست در پس این نوع رفتارها چه نوع ارتباط هایی نهفته است که باعث بروز چنین مشکلاتی شده است.

بروز مشکلات عدیده در دخالت های بی پایه

مجید خود را قربانی دخالت های خانواده اش می داند. او هم اکنون ۵۰ سال دارد و برای دومین بار ازدواج کرده است. او به «آرمان امروز» می گوید: در هر زندگی مشترکی اختلاف نظر وجود دارد، اما می توان آن را به شکل کاملاً منطقی حل و فصل کرد. به گفته این فرد میانسال برای ازدواج باید مهارت های زندگی را آموخت. در گام بعدی نیز با تشکیل زندگی مشترک افراد باید یکدیگر را مامن خود بدانند و حتی المقدور با حفظ حریم برای زندگی مشترکشان به هیچ فردی اجازه دخالت ندهند. او داستان زندگی اش را این چنین تعریف می کند: با همسر اولم به دلیل عدم تمایل به مهاجرت اختلاف داشتم.

در این حین هم خواهر و برادرهایم با حرف و حدیث های گوناگون در افزایش اختلافات بین ما تاثیرگذار بودند و بالاخره من هم به دلیل جوانی و بی تجربگی تصمیم به طلاق گرفتم. یکی از اعضای خانواده ام درباره نگهداری فرزندان و اینکه همسرت بر می گردد و فقط با این اقدام او را بترسان به من قوت قلب می داد، اما به محض طلاق دیگر از حمایت های هیچ کدام از افراد خانواده خبری نبود و من ماندم با دو کودک بی مادر که دغدغه رفت و آمد به مدرسه، تهیه غذا و دیگر مسئولیت ها به یکباره بر سرم آوار شد. به این دلیل است که همیشه به جوانان تاکید می کنم که از عقل و اندیشه خود برای حل مشکلاتشان استفاده کنند یا فرد موجهی را برای مشاوره انتخاب کنند، نه اینکه برای هر فرد سفره دل باز کرده و به این ترتیب زندگی خود را بازیچه دیگران کنند.

مدیریت زندگی در شرایط ناگوار

شش ماه از ازدواج مریم و مهدی گذشته بود. مهدی در ماه های نخست زندگی به دلیل تعدیل نیرو در یکی از شرکت های لوازم منزل از کار برکنار شد. این بیکاری برای این زوج جوان زجرآور بود. این زوج جوان دغدغه های متعددی از جمله پرداخت قسط های مختلف، پرداخت کرایه خانه و چگونگی تامین خرج و مخارج زندگی را داشتند. مریم می گوید: در این شرایط برای ادامه زندگی ترجیح دادیم به طور موقتی در منزل مادرم زندگی کنیم.

در این حین مهدی هم توانست در قالب فعالیت های پروژه ای در شهرداری یکی از مناطق جذب شود و هم اکنون یک زندگی معمولی را داریم. این امر به دلیل حمایت های خانواده ام بروز کرده است، در غیر این صورت ادامه زندگی مشترک برایمان فراهم نبود. به گفته او مشکلات و نارسایی ها در زندگی مشترک ابعاد گوناگونی دارد که از جمله آن می توان مشکلات اقتصادی را منشأ بروز بسیاری از اختلاف ها دانست. در ضمن حس گذشت در مقابل ناملایمات زندگی و مدیریت شرایط می تواند در حل اختلاف های شدید ثمربخش باشد.

بسیاری از اختلافات زندگی به دلیل عدم تمایل افراد در تحمل شرایط ناگوار بروز می کند، به قول قدیمی ها در زندگی مشترک افراد نباید همیشه من یا نیم من باشند، بلکه رعایت حد تعادل در حل اختلافات تاثیرگذار است.